

کتابخانه عمومی و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

۵۲۷۹

ف ۶۲۸۷

کتابخانه مجلس شورای ملی



کتاب: سی فصل  
مؤلف: خواجه نصیر الدین طوسی

شماره ثبت کتاب

موضوع: شماره قفسه ۴۹۹۸

۵۵۰۶۹

بازدید شد  
۱۳۸۲

عقبت ثبت شد  
۴۹۹۸

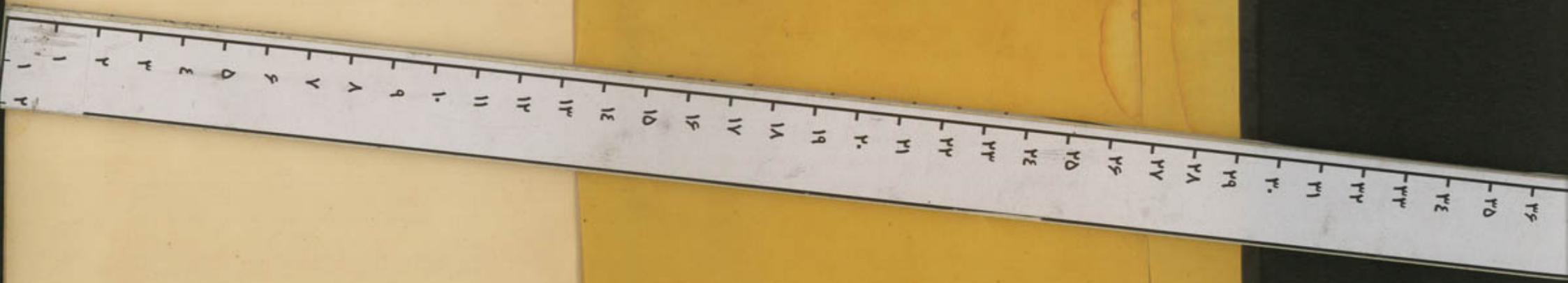
بازرسی شد  
۱۳۸۲

شد

۱  
۲  
۳  
۴  
۵  
۶  
۷  
۸  
۹  
۱۰  
۱۱  
۱۲  
۱۳  
۱۴  
۱۵  
۱۶  
۱۷  
۱۸  
۱۹  
۲۰  
۲۱  
۲۲  
۲۳  
۲۴  
۲۵  
۲۶  
۲۷  
۲۸  
۲۹  
۳۰  
۳۱  
۳۲  
۳۳  
۳۴  
۳۵  
۳۶  
۳۷  
۳۸  
۳۹  
۴۰  
۴۱  
۴۲  
۴۳  
۴۴  
۴۵  
۴۶  
۴۷  
۴۸  
۴۹  
۵۰

کتابخانه موزه و مرکز اسناد  
سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران  
شماره  
۷۹

شماره  
۹۸



۲۲۵



۲۲۵





# هو الله تعالى هذا كتاب من فضل

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على خير خلقه  
محمد وآله اجمعين اما بعد بدانکه این محضی است  
که خواجہ نصیر الدین طوسی ره تصنیف کرده معرفت  
تقویم مثل است برسی فضل

## فصل اول

در حساب جمل و آن بر این ترتیب است

۱۱ ب ۲ ج ۳ د ۴ ه ۵ و ۶ ز ۷ ح ۸ ط ۹ ی ۱۰ ک ۱۱ ل ۱۲ م  
۱۳ ن ۱۴ س ۱۵ ع ۱۶ ف ۱۷ ص ۱۸ ق ۱۹ ر ۲۰ ش ۲۱ ت  
۲۲ ث ۲۳ خ ۲۴ ذ ۲۵ ض ۲۶ ظ ۲۷ ع ۲۸ غ ۲۹ ف ۳۰ ق  
است نه احاد و نه عشرات و نه مات و یکی الف و دیگر قمتها

عم ایران

همه از این حروف مرکب باشد و حساب جمل

چنانکه در این جدول است و بیشتر این را پیش دارند

۱	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط
۲	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱۰	ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف
۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳
۱۲	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض
۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵
۱۴	ع	غ	ف	ق	ح	خ	ط	ع
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷

کتر را با پیش دارند مثلاً یا یازده کب بیت و دو

لج سی و سه قمر صد و چهل و پنج غلط هزار و

هفتصد و هشتاد و نه و چون هزار و صد اعف کرد

عدد آن را بر حرف غین که عدد ششم هزار است

مقدم دارند همچنین نغ دو هزار و صد هزار

خلفند بش صد و سی و پنج هزار و هفتصد

لج شد سی و سه هزار و سیصد و شصت و چهار

و **بسم** بر این قیاس چندا که باشد باید نوشت  
و هر جا که عدد نباشد صفر نهد بدینگونه ؛

**فصل دوم** در آیام جمعات یعنی روزهای  
و شنبای آنحضرت در تقدیم چنین باشد کشته  
ب دو شنبه ج سه شنبه و چهار شنبه  
و پنج شنبه و جمعه ز شنبه و بعضی نشان  
شنبه را صفر کنند بدینگونه ها **فصل سوم**

در تاریخ عسری و آن میان اهل اسلام معروف  
است و نام ماههای ایشان اینست محرم اه  
و از اینجاست که عرب را بر سرترین و زمان اجتماع  
ایشان اطلاع نبوده است مبادی شعور را  
از رویت هلال گرفته و اول ماه را بدین ماه نو  
شناسند و روزهای همی همی سی روز است و

نزد باشد

ن روز باشد و از این پس و کم نشود و نشان  
روزهای ماه قسم عدد روز باشد و در این  
جدول است و روز اول ماه را غره خوانند  
و نیمه ماه را نصف و روز سی ام را سحر گویند

مهور	مهور	مهور	مهور
محر	محر	محر	محر
محر	محر	محر	محر
محر	محر	محر	محر

و چون ماه باشد در تقویم برجاشیه دست راست  
یعنی صفحه اول بر این روز که اول ماه باشد نام آن ماه  
که نشود بنویسند و اهل حساب ماه اول انسال را  
که محرم است سی روز گیرند و ماه دوم را بیت و نیز  
و همچنین تا آخر سال سال صید و پنجاه و چهار

و خمس و سدس شبانه روزی باشد و در هر سی سال  
 یازده بار در آن خبری حجه گیر و زیاده کنند تا سی روز شود  
 و آن روز را کبیه عربی خوانند و ابتدای این تاریخ  
 از حضرت حضرت رسول صلی الله علیه و آله گیرند از کعبه  
 مطهره مدینه مشرفه تشریف برده اند و اول آن سال  
 روز پنجشنبه بوده در نزد اهل حساب و جمعه بوده است  
 در نزد اهل شرع و طریق معرفت کبیه چنان بود  
 که شبانه روزی را سه جزو مساوی اعتبار  
 کنند خمس و سدس آن یازده جزو باشد چنانچه هر سال  
 یازده جزو از سی جزو افتد و آن شود چنانچه در جدول  
 سی ام واقع است و مخفی نماید که خمس شبانه روز چهل ساعت  
 و چهل و هشت دقیقه است و سدس شبانه روز چهار  
 ساعت پس مجموع هشت ساعت و چهل و هشت

دقیقه

و وقت باشد

شوال	مضیان	شعبان	رمضان	شوال	مضیان	شعبان	رمضان	شوال	مضیان	شعبان	رمضان
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳
۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵
۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷
۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹
۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱
۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳
۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵
۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰	۱۰۱	۱۰۲	۱۰۳	۱۰۴	۱۰۵	۱۰۶	۱۰۷
۱۰۸	۱۰۹	۱۱۰	۱۱۱	۱۱۲	۱۱۳	۱۱۴	۱۱۵	۱۱۶	۱۱۷	۱۱۸	۱۱۹
۱۲۰	۱۲۱	۱۲۲	۱۲۳	۱۲۴	۱۲۵	۱۲۶	۱۲۷	۱۲۸	۱۲۹	۱۳۰	۱۳۱
۱۳۲	۱۳۳	۱۳۴	۱۳۵	۱۳۶	۱۳۷	۱۳۸	۱۳۹	۱۴۰	۱۴۱	۱۴۲	۱۴۳
۱۴۴	۱۴۵	۱۴۶	۱۴۷	۱۴۸	۱۴۹	۱۵۰	۱۵۱	۱۵۲	۱۵۳	۱۵۴	۱۵۵
۱۵۶	۱۵۷	۱۵۸	۱۵۹	۱۶۰	۱۶۱	۱۶۲	۱۶۳	۱۶۴	۱۶۵	۱۶۶	۱۶۷
۱۶۸	۱۶۹	۱۷۰	۱۷۱	۱۷۲	۱۷۳	۱۷۴	۱۷۵	۱۷۶	۱۷۷	۱۷۸	۱۷۹
۱۸۰	۱۸۱	۱۸۲	۱۸۳	۱۸۴	۱۸۵	۱۸۶	۱۸۷	۱۸۸	۱۸۹	۱۹۰	۱۹۱
۱۹۲	۱۹۳	۱۹۴	۱۹۵	۱۹۶	۱۹۷	۱۹۸	۱۹۹	۲۰۰	۲۰۱	۲۰۲	۲۰۳
۲۰۴	۲۰۵	۲۰۶	۲۰۷	۲۰۸	۲۰۹	۲۱۰	۲۱۱	۲۱۲	۲۱۳	۲۱۴	۲۱۵
۲۱۶	۲۱۷	۲۱۸	۲۱۹	۲۲۰	۲۲۱	۲۲۲	۲۲۳	۲۲۴	۲۲۵	۲۲۶	۲۲۷
۲۲۸	۲۲۹	۲۳۰	۲۳۱	۲۳۲	۲۳۳	۲۳۴	۲۳۵	۲۳۶	۲۳۷	۲۳۸	۲۳۹
۲۴۰	۲۴۱	۲۴۲	۲۴۳	۲۴۴	۲۴۵	۲۴۶	۲۴۷	۲۴۸	۲۴۹	۲۵۰	۲۵۱
۲۵۲	۲۵۳	۲۵۴	۲۵۵	۲۵۶	۲۵۷	۲۵۸	۲۵۹	۲۶۰	۲۶۱	۲۶۲	۲۶۳
۲۶۴	۲۶۵	۲۶۶	۲۶۷	۲۶۸	۲۶۹	۲۷۰	۲۷۱	۲۷۲	۲۷۳	۲۷۴	۲۷۵
۲۷۶	۲۷۷	۲۷۸	۲۷۹	۲۸۰	۲۸۱	۲۸۲	۲۸۳	۲۸۴	۲۸۵	۲۸۶	۲۸۷
۲۸۸	۲۸۹	۲۹۰	۲۹۱	۲۹۲	۲۹۳	۲۹۴	۲۹۵	۲۹۶	۲۹۷	۲۹۸	۲۹۹
۳۰۰	۳۰۱	۳۰۲	۳۰۳	۳۰۴	۳۰۵	۳۰۶	۳۰۷	۳۰۸	۳۰۹	۳۱۰	۳۱۱
۳۱۲	۳۱۳	۳۱۴	۳۱۵	۳۱۶	۳۱۷	۳۱۸	۳۱۹	۳۲۰	۳۲۱	۳۲۲	۳۲۳
۳۲۴	۳۲۵	۳۲۶	۳۲۷	۳۲۸	۳۲۹	۳۳۰	۳۳۱	۳۳۲	۳۳۳	۳۳۴	۳۳۵
۳۳۶	۳۳۷	۳۳۸	۳۳۹	۳۴۰	۳۴۱	۳۴۲	۳۴۳	۳۴۴	۳۴۵	۳۴۶	۳۴۷
۳۴۸	۳۴۹	۳۵۰	۳۵۱	۳۵۲	۳۵۳	۳۵۴	۳۵۵	۳۵۶	۳۵۷	۳۵۸	۳۵۹
۳۶۰	۳۶۱	۳۶۲	۳۶۳	۳۶۴	۳۶۵	۳۶۶	۳۶۷	۳۶۸	۳۶۹	۳۷۰	۳۷۱
۳۷۲	۳۷۳	۳۷۴	۳۷۵	۳۷۶	۳۷۷	۳۷۸	۳۷۹	۳۸۰	۳۸۱	۳۸۲	۳۸۳
۳۸۴	۳۸۵	۳۸۶	۳۸۷	۳۸۸	۳۸۹	۳۹۰	۳۹۱	۳۹۲	۳۹۳	۳۹۴	۳۹۵
۳۹۶	۳۹۷	۳۹۸	۳۹۹	۴۰۰	۴۰۱	۴۰۲	۴۰۳	۴۰۴	۴۰۵	۴۰۶	۴۰۷
۴۰۸	۴۰۹	۴۱۰	۴۱۱	۴۱۲	۴۱۳	۴۱۴	۴۱۵	۴۱۶	۴۱۷	۴۱۸	۴۱۹
۴۲۰	۴۲۱	۴۲۲	۴۲۳	۴۲۴	۴۲۵	۴۲۶	۴۲۷	۴۲۸	۴۲۹	۴۳۰	۴۳۱
۴۳۲	۴۳۳	۴۳۴	۴۳۵	۴۳۶	۴۳۷	۴۳۸	۴۳۹	۴۴۰	۴۴۱	۴۴۲	۴۴۳
۴۴۴	۴۴۵	۴۴۶	۴۴۷	۴۴۸	۴۴۹	۴۵۰	۴۵۱	۴۵۲	۴۵۳	۴۵۴	۴۵۵
۴۵۶	۴۵۷	۴۵۸	۴۵۹	۴۶۰	۴۶۱	۴۶۲	۴۶۳	۴۶۴	۴۶۵	۴۶۶	۴۶۷
۴۶۸	۴۶۹	۴۷۰	۴۷۱	۴۷۲	۴۷۳	۴۷۴	۴۷۵	۴۷۶	۴۷۷	۴۷۸	۴۷۹
۴۸۰	۴۸۱	۴۸۲	۴۸۳	۴۸۴	۴۸۵	۴۸۶	۴۸۷	۴۸۸	۴۸۹	۴۹۰	۴۹۱
۴۹۲	۴۹۳	۴۹۴	۴۹۵	۴۹۶	۴۹۷	۴۹۸	۴۹۹	۵۰۰	۵۰۱	۵۰۲	۵۰۳
۵۰۴	۵۰۵	۵۰۶	۵۰۷	۵۰۸	۵۰۹	۵۱۰	۵۱۱	۵۱۲	۵۱۳	۵۱۴	۵۱۵
۵۱۶	۵۱۷	۵۱۸	۵۱۹	۵۲۰	۵۲۱	۵۲۲	۵۲۳	۵۲۴	۵۲۵	۵۲۶	۵۲۷
۵۲۸	۵۲۹	۵۳۰	۵۳۱	۵۳۲	۵۳۳	۵۳۴	۵۳۵	۵۳۶	۵۳۷	۵۳۸	۵۳۹
۵۴۰	۵۴۱	۵۴۲	۵۴۳	۵۴۴	۵۴۵	۵۴۶	۵۴۷	۵۴۸	۵۴۹	۵۵۰	۵۵۱
۵۵۲	۵۵۳	۵۵۴	۵۵۵	۵۵۶	۵۵۷	۵۵۸	۵۵۹	۵۶۰	۵۶۱	۵۶۲	۵۶۳
۵۶۴	۵۶۵	۵۶۶	۵۶۷	۵۶۸	۵۶۹	۵۷۰	۵۷۱	۵۷۲	۵۷۳	۵۷۴	۵۷۵
۵۷۶	۵۷۷	۵۷۸	۵۷۹	۵۸۰	۵۸۱	۵۸۲	۵۸۳	۵۸۴	۵۸۵	۵۸۶	۵۸۷
۵۸۸	۵۸۹	۵۹۰	۵۹۱	۵۹۲	۵۹۳	۵۹۴	۵۹۵	۵۹۶	۵۹۷	۵۹۸	۵۹۹
۶۰۰	۶۰۱	۶۰۲	۶۰۳	۶۰۴	۶۰۵	۶۰۶	۶۰۷	۶۰۸	۶۰۹	۶۱۰	۶۱۱
۶۱۲	۶۱۳	۶۱۴	۶۱۵	۶۱۶	۶۱۷	۶۱۸	۶۱۹	۶۲۰	۶۲۱	۶۲۲	۶۲۳
۶۲۴	۶۲۵	۶۲۶	۶۲۷	۶۲۸	۶۲۹	۶۳۰	۶۳۱	۶۳۲	۶۳۳	۶۳۴	۶۳۵
۶۳۶	۶۳۷	۶۳۸	۶۳۹	۶۴۰	۶۴۱	۶۴۲	۶۴۳	۶۴۴	۶۴۵	۶۴۶	۶۴۷
۶۴۸	۶۴۹	۶۵۰	۶۵۱	۶۵۲	۶۵۳	۶۵۴	۶۵۵	۶۵۶	۶۵۷	۶۵۸	۶۵۹
۶۶۰	۶۶۱	۶۶۲	۶۶۳	۶۶۴	۶۶۵	۶۶۶	۶۶۷	۶۶۸	۶۶۹	۶۷۰	۶۷۱
۶۷۲	۶۷۳	۶۷۴	۶۷۵	۶۷۶	۶۷۷	۶۷۸	۶۷۹	۶۸۰	۶۸۱	۶۸۲	۶۸۳
۶۸۴	۶۸۵	۶۸۶	۶۸۷	۶۸۸	۶۸۹	۶۹۰	۶۹۱	۶۹۲	۶۹۳	۶۹۴	۶۹۵
۶۹۶	۶۹۷	۶۹۸	۶۹۹	۷۰۰	۷۰۱	۷۰۲	۷۰۳	۷۰۴	۷۰۵	۷۰۶	۷۰۷
۷۰۸	۷۰۹	۷۱۰	۷۱۱	۷۱۲	۷۱۳	۷۱۴	۷۱۵	۷۱۶	۷۱۷	۷۱۸	۷۱۹
۷۲۰	۷۲۱	۷۲۲	۷۲۳	۷۲۴	۷۲۵	۷۲۶	۷۲۷	۷۲۸	۷۲۹	۷۳۰	۷۳۱
۷۳۲	۷۳۳	۷۳۴	۷۳۵	۷۳۶	۷۳۷	۷۳۸	۷۳۹	۷۴۰	۷۴۱	۷۴۲	۷۴۳
۷۴۴	۷۴۵	۷۴۶	۷۴۷	۷۴۸	۷۴۹	۷۵۰	۷۵۱	۷۵۲	۷۵۳	۷۵۴	۷۵۵
۷۵۶	۷۵۷	۷۵۸	۷۵۹	۷۶۰	۷۶۱	۷۶۲	۷۶۳	۷۶۴	۷۶۵	۷۶۶	۷۶۷
۷۶۸	۷۶۹	۷۷۰	۷۷۱	۷۷۲	۷۷۳	۷۷۴	۷۷۵	۷۷۶	۷۷۷	۷۷۸	۷۷۹
۷۸۰	۷۸۱	۷۸۲	۷۸۳	۷۸۴	۷۸۵	۷۸۶	۷۸۷	۷۸۸	۷۸۹	۷۹۰	۷۹۱
۷۹۲	۷۹۳	۷۹۴	۷۹۵	۷۹۶	۷۹۷	۷۹۸	۷۹۹	۸۰۰	۸۰۱	۸۰۲	۸۰۳
۸۰۴	۸۰۵	۸۰۶	۸۰۷	۸۰۸	۸۰۹	۸۱۰	۸۱۱	۸۱۲	۸۱۳	۸۱۴	۸۱۵
۸۱۶	۸۱۷	۸۱۸	۸۱۹	۸۲۰	۸۲۱	۸۲۲	۸۲۳	۸۲۴	۸۲۵	۸۲۶	۸۲۷
۸۲۸	۸۲۹	۸۳۰	۸۳۱	۸۳۲	۸۳۳	۸۳۴	۸۳۵	۸۳۶	۸۳۷	۸۳۸	۸۳۹
۸۴۰	۸۴۱	۸۴۲	۸۴۳	۸۴۴	۸۴۵	۸۴۶	۸۴۷	۸۴۸	۸۴۹	۸۵۰	۸۵۱
۸۵۲	۸۵۳	۸۵۴	۸۵۵	۸۵۶	۸۵۷	۸۵۸	۸۵۹	۸۶۰	۸۶۱	۸۶۲	۸۶۳
۸۶۴	۸۶۵	۸۶۶	۸۶۷	۸۶۸	۸۶۹	۸۷۰	۸۷۱	۸۷۲	۸۷۳	۸۷۴	۸۷۵
۸۷۶	۸۷۷	۸۷۸	۸۷۹	۸۸۰	۸۸۱	۸۸۲	۸۸۳	۸۸۴	۸۸۵	۸۸۶	۸۸۷
۸۸۸	۸۸۹	۸۹۰	۸۹۱	۸۹۲	۸۹۳	۸۹۴	۸۹۵	۸۹۶	۸۹۷	۸۹۸	۸۹۹
۹۰۰	۹۰۱	۹۰۲	۹۰۳	۹۰۴	۹۰۵	۹۰۶	۹۰۷	۹۰۸	۹۰۹	۹۱۰	۹۱۱
۹۱۲	۹۱۳	۹۱۴	۹۱۵	۹۱۶	۹۱۷	۹۱۸	۹۱۹	۹۲۰	۹۲۱	۹۲۲	۹۲۳
۹۲۴	۹۲۵	۹۲۶	۹۲۷	۹۲۸	۹۲۹	۹۳۰	۹۳۱	۹۳۲	۹۳۳	۹۳۴	۹۳۵
۹۳۶	۹۳۷	۹۳۸	۹۳۹	۹۴۰	۹۴۱	۹۴۲	۹۴۳	۹۴۴	۹۴۵	۹۴۶	۹۴۷
۹۴۸	۹۴۹	۹۵۰	۹۵۱	۹۵۲	۹۵۳	۹۵۴	۹۵۵	۹۵۶	۹۵۷	۹۵۸	۹۵۹





روزهای همدیسی باشد پنج روز در آخر  
 بانماه یاد آخر اسفند ماه انشرايند و آن راجع  
 مسترقه خوانند يعنی پنج دزدیده و این ماهها ماه  
 قدیم خوانند و بمبداء این تاریخ از جلوس ملک  
 یزید خردین بختیاریا گیرند که آخر ملوک عجم بوده است  
 و نشان روزها عدد رستم هر روز باشد و گاه باشد  
 که روزها را بنام هر روزی بنویسند و نام روزهای  
 ماههای و روزهای خمره مسترقه در این جدول باشد

اهنوز	روز	هفتم	ششم	پنجم	چهارم	سوم	دوم	اول
اسفند	روز	هفتم	ششم	پنجم	چهارم	سوم	دوم	اول
و هشتاد	روز	هفتم	ششم	پنجم	چهارم	سوم	دوم	اول
هشتاد و شش	روز	هفتم	ششم	پنجم	چهارم	سوم	دوم	اول

**فصل ششم** در تاریخ ملکی جلالی در عهد سلطان  
 جلال الدین ملک شاه تاریخی بنام او اند و نام

ماههای این تاریخ هجده نام ماههای فاریان است  
 و عدد روزها هر ماهی سی روز باشد  
 و پنج دزدیده را در آخر اسفند ماه گیرند و هر چند  
 سال یا پنج سال یک بار گیرند و دیگر محبت کبیه  
 در آخر پنج مسترقه انشرايند تا شش روز شود و آن  
 روزها کبیه خوانند و اول فروردین ماه  
 روزی بود که نیم روز آن روز آفتاب بجل باشد  
 و از حوت اشغال کرده و بعضی از استمدان  
 این فن روایت کرده اند که سال ملکی هجده نام  
 روزها و هجده نام پنج دزدیده وضع کرده اند  
 چنانچه در این جدول ایراد یافته است  
 و بعضی اول فروردین ماه اول دیگر ماهها  
 روزی گیرند که در آن روز یاد آن شبیکه پیش از



فلک زحل باشد و نزدیک ترین فلک ممر  
و نشان این کوکب در تقویم صرف آخر باشد  
از نامهای آنها و از این کوکب هفت گانه شمس  
و قمر ازین خوانند شمس را نیر اعظم و قمر را صغر  
و پنج دیگر را حمت مخیره خوانند از جهت هر یک  
از آنها را استقامتی باشد پس و قوفی پس رجوعی  
پس و قوفی دیگر پس باز تیتقم شوند و شمس  
و قمر از اجزای استقامت نبود و زحل و مشتری و مریخ  
را علویه خوانند و زهره و عطارد و قمر را  
سفلیه خوانند و زحل و مریخ را حین خوانند  
زحل را خمس اکبر مریخ را خمس اصغر و مشتری و  
زهره را سعدین خوانند مشتری را سعد اکبر و  
زهره را سعد اصغر و روش این ستارگان مختلف

بود و باقی ستارگان که بر آسمان باشند ثابت  
خوانند و جمله بزفلک شمس بود و بالای او فلک  
نهم بود که آن را فلک الافلاک و فلک اسفلک  
غیر کوکب و فلک اول خوانند و او همه فلک  
را از جانب مشرق بجانب مغرب حرکت میدهد  
بحرکت شبانه روزی و دیگر افلاک از مغرب  
بمشرق حرکت میکنند سوای مدیعه عطارد  
و جوزهر و مایل است که حرکت ایشان از  
مشرق بمغرب است هر یک بحرکت خاص خود  
**فصل هشتم** در بیان بروج و اجزای آن  
و نیز کوکب در آن دور فلک کیهان  
کوکب بر آن حرکت میکنند بدو ازده بخش  
کرده اند و هر بخشی را برجی خوانند و هر برج را

بسی بخش کرده اند و هر یک را درجه خوانند  
 و بعد هر درجه را بصبحت قسم کرده اند و هر یکی را  
 ده دقیقه خوانند همچنین هر دقیقه را بصبحت ثانیه  
 و هر ثانیه را بصبحت ثالثه و بهم چنین تا باعشاره  
 و تا آنجا که خواهند بخش میکنند و نام برجها



دوازده گانه ایت و نشان برجهای دوازده  
 گانه چنین است که در این صفحه نوشته شد  
 حلها ثورا جوزاب سرطان ج اسد سنبله

میزان

میزان و عقرب زوشس جدی طدلوی  
 حوت یا و ثانیانای درجه و وقت  
 نشانهای عدددهای هر یک باشد و عدد  
 درجات از نسبت نکند از برای آنکه چون  
 سی شود بر سبج گردد و عدد وقت نیز از پنجاه  
 و نه نکند زیرا که چون شصت برسد درجه شود  
 و در تقویم بعد از خرد و لهای تواریخ هفت جدول  
 متساوی حبه مواضع کواکب هفت گانه در نیم روز  
 هر روزی در هر جدول بازاری هر روز سه رستم  
 بنویسند یکی رستم برج بود و یکی رستم درجه و یکی  
 رستم دقیقه و آن مواضع کواکب بود بدینقت  
 و درجات و دستایق که تا آن نیم روز نوشته شد  
 از آن برج و ایت کواکب باقیاب کنند

پس گوئد پنج گانه برزیت افلاک و چون درجه  
 و دقیقه گوئد روز بروز در آید بود گوئد تقیم بود  
 و چون در نقصان بود راجع بود و اگر زیاده و نقصان  
 نبود مقیم بود **فصل هفتم** در مقدار روش تارکان  
 بدانکه اقباب دوازده برج دارد سالی تمام کند  
 و برجی را با باقی تقریباً قطع کند و درجه را بیک  
 شبانه روزی و ماه دوری در بیت و هفت  
 شبانه روز و شش ماه تمام کند و هر برجی را زیاده از دور  
 و کمتر از آن روز قطع کند و در حل دوری درسی سال تمام  
 کند و برجی در دو سال و نیم و درجه در یک ماه  
 و در هر دو دوازده ماه و نیم چهار ماه و نیم راجع باشد  
 مشتری دوری دوازده سال قطع کند و برجی  
 یک سال تمام کند و در هر سیزده ماه چهار ماه راجع باشد

در آن

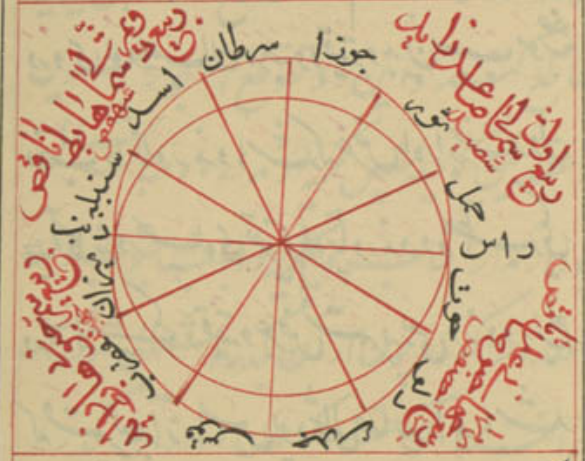
و هر پنج دوری در دو سال و یک ماه و نیم تقریباً تمام کند  
 و برجی تقیم و سکر و باشد در یک ماه و نیم تمام کند  
 و در هر دو سال و یک ماه و نیم دو ماه نیم راجع باشد  
 زهره دوری در دو سال و برجی چون تقیم و سکر باشد  
 بیست و هفت روز تمام کند و در هر یک سال و هفت ماه  
 و نیم یک ماه نیم راجع باشد عطارد دوری در حدود  
 سالی و برجی چون تقیم و سکر باشد در نوزده روز تمام کند  
 و در هر صد و شانزده روز بیت و دور روز راجع بود  
 و اما گوئد ثابته دوری بیت و چهار هزار سال  
 و برجی در دو هزار سال و درجه در قرب ثبوتش  
 سال تمام کند **فصل هفتم** در بیان جوار  
 و عرض ماه و سایر تارکان و اقباب را  
 نداری باشد که میان برجه بگذرد و آن را

عطار	بکرم	دکن	بکرم	مغز	بکرم	عطار
عطار	بکرم	دکن	بکرم	مغز	بکرم	عطار
عطار	بکرم	دکن	بکرم	مغز	بکرم	عطار
عطار	بکرم	دکن	بکرم	مغز	بکرم	عطار
عطار	بکرم	دکن	بکرم	مغز	بکرم	عطار
عطار	بکرم	دکن	بکرم	مغز	بکرم	عطار
عطار	بکرم	دکن	بکرم	مغز	بکرم	عطار
عطار	بکرم	دکن	بکرم	مغز	بکرم	عطار
عطار	بکرم	دکن	بکرم	مغز	بکرم	عطار
عطار	بکرم	دکن	بکرم	مغز	بکرم	عطار

منطقه البروج خوانند و ماه را مدار می باشد  
 که ما در اقباب در دو موضع در مقابل یکدیگر  
 تقاطع کنند و این دو تقاطع را جوهر سرین  
 و عقدتین گویند پس کمی از مدار ماه در جانب شمال  
 بود از مدار اقباب و یکمی در جانب جنوب و آن  
 عقده را که ماه چون از آن بگذرد شمالی شود اگر  
 خوانند و آن عقده که چون ماه از آن بگذرد  
 جنوبی شود ذنب خوانند و مقدار دوری ماه را  
 از مدار اقباب عرض ماه خوانند و غایتش تا پنج درجه باشد

و تقویم ماه را یعنی دوری او از حمل بر تواب البروج  
 طول ماه خوانند و راس و ذنب را بر مینویسند  
 مانند کواکب راجع و دوری در نوزده سال تمام کند  
 و بر جی نوزده ماه و درجه در نوزده روز و در تقویم موضع راس  
 بعد از تقویم عطار در پاورند بر ج و درجه و دقیقه  
 و موضع ذنب در برج هفتم باشد از آن برج که راس  
 دوری بود همان درجه و دقیقه و بدین سبب موضع  
 ذنب را میاورند و باشد که عرض ماه را در جدول  
 جداگانه در هر پلوی تقویم ماه پاورند و در وسط هر یکی  
 درجه و سیک دقیقه و عرض قسم در بعضی از دور ربع  
 که قسم بعد از راس بود شمالی صاعد زاید باشد  
 و در بعضی که بعد از آن بود که قسم روی ذنب دارد  
 مارتیدن ذنب شمالی هم باطن ناقص باشد و در بعضی

که از دنت بگذشته باشد جنوبی هسایط زاید بود  
 و در ربع چهارم که بعد از آن بود و مستمرو روی براس را  
 مارتیدن براس جنوبی صاعد ناقص بود  
 و نشانه های شمالی و جنوبی صواعد و هالط را از  
 از حروف اول گیرند و نشان زاید و ناقص را  
 از حروف آخر گیرند چنانکه در جدول است



و کواکب حشمه را حالت دیگر است که هر یک  
 از آنها براس و دنت برند و آنرا در اصطلاح

زحل مع رأس و هسره مع رأس و مرنج مع رأس  
 یا زحل مع دنت و بر این قیاس گویند و آنرا در اصطلاح  
 کلی بعضی چنین نویسند **لمعس همعس جمعس** چنانکه  
 در این جدول است و تحت مقبره را نیز هم عرض بود

لمعس	همعس	جمعس	همعس	ومعس
معنب	معنب	معنب	معنب	معنب

و باشد که در بعضی وقتا ویم فرض هر کوبی را در  
 جنب تقویم پا و رند و اقیاب را عرض بود چنانکه  
 عرض دوری ستارگان بود از راه اقیاب و او  
 از راه خود دور نشود و اما هفت ستاره سیاره را  
 میل باشد و آن بعد ایشان بود از منطفه  
 معدل المنفا رو غایت عرض و میل هر یک

از این جدول معین شود

شمال	شمال	شمال	شمال	شمال	شمال	شمال	شمال	شمال	شمال
شمال	شمال	شمال	شمال	شمال	شمال	شمال	شمال	شمال	شمال
شمال	شمال	شمال	شمال	شمال	شمال	شمال	شمال	شمال	شمال
شمال	شمال	شمال	شمال	شمال	شمال	شمال	شمال	شمال	شمال
شمال	شمال	شمال	شمال	شمال	شمال	شمال	شمال	شمال	شمال
شمال	شمال	شمال	شمال	شمال	شمال	شمال	شمال	شمال	شمال
شمال	شمال	شمال	شمال	شمال	شمال	شمال	شمال	شمال	شمال
شمال	شمال	شمال	شمال	شمال	شمال	شمال	شمال	شمال	شمال
شمال	شمال	شمال	شمال	شمال	شمال	شمال	شمال	شمال	شمال
شمال	شمال	شمال	شمال	شمال	شمال	شمال	شمال	شمال	شمال

فصل نهم در ساعات و ارتفاعات

شبان روزی را به پیت و صحیح قیمت متساوی قیمت  
 کنند و هر قسمی را ساعتی خوانند و ساعتی را هم  
 شب قسم متساوی قیمت کنند و هر قسمی را دقیقه  
 خوانند و در تقویم بازمی هر روز ساعت و دقائق  
 آن روز را بعد از اس در جدول جداگانه

نهند و چون آنرا از بیت و چهار ساعت نقصان  
 کنند آنچه ساعت و دقائق شب باشد و روز  
 از وقت تحویل آفتاب بجدی تا وقت تحویل آفتاب  
 برطان منسراید و در نیمه دیگر کاهد و شب بر شب  
 پس درازترین روزهای سال و کوتاه ترین شبها وقت  
 تحویل آفتاب بجدی باشد و وقت تحویل آفتاب  
 بجل و میزان شب و روز متساوی باشد و این ساعات  
 را ساعات مستوی خوانند و چون هر روز می  
 شبی را جداگانه بدوازده قسم متساوی کنند تا ساعات  
 زمانه و معوجه خوانند و مقدار هر ساعت را  
 بحسب درازمی و کوتاهی روز و شب  
 می افزایند و میکاهند و اما ارتفاع آفتاب  
 مقدار بعد او بود از سطح افق که بر زمین باشد



و میان ظاهر و پوشیده از آسمان جدا کنند و آن  
 مقدار بدرجات و دقائق بود و غایتش بوقت  
 نصف النهار بود و غایت ارتفاع هر روزی در قیوم  
 بعد از ساعات در جدولی جدا گانه سبند و هیچ  
 ارتفاع از نود درجه زیاد تر نشود زیرا که دو فلک  
 رسید و شصت درجه است چنانچه در این دایره است



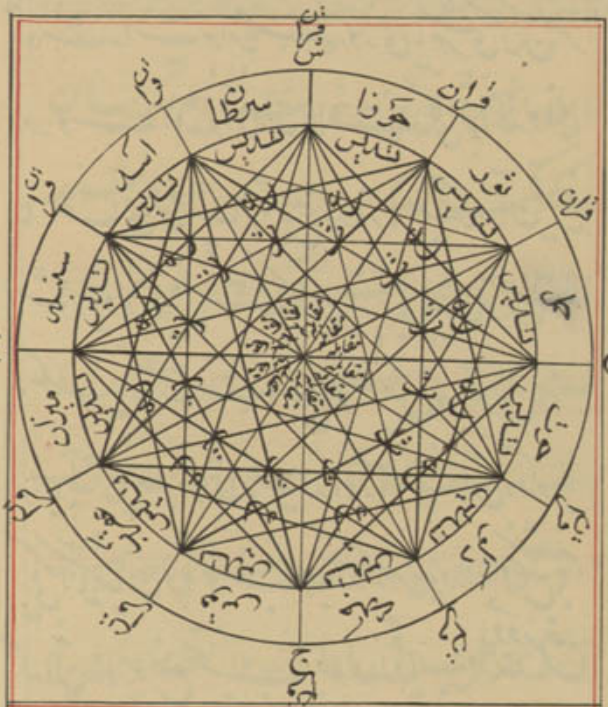
**مضاد و ازدهم** و طنر و شاطر بعضی

دگر

گو اکب بعضی اما نظر است که چون دو گو اکب  
 در یک برج و یک درجه و یک دقیقه جمع آیند  
 آن را شران و مقارنه خوانند پس اگر انحال میان  
 اقیاب و ماه باشد آن را اجتماع خوانند و اگر میان  
 اقیاب و یکی از گو اکب متحیره باشد آن را تحراق  
 آن گو اکب خوانند و اگر میان گو اکب متحیره باشد آنرا  
 نیز مقارنه خوانند و اگر در میان ماه و یکی از گو اکب  
 متحیره باشد آن را نیز مقارنه گویند و چون درجه و دقیقه  
 دو گو اکب در دو برج که یکی از آن دو برج سیم بود  
 باشد متساوی شود آن را تسدیس خوانند از بزرگ  
 میان آن دو گو اکب سدس فلک باشد و اگر یکی  
 از آن دو برج چهارم دیگر برج باشد آنرا تریس  
 خوانند از جهت آنکه نود درجه که ربع دور است

در میان باشد و اگر یکی از آن دو برج چشم دیگر باشد آن را  
 تلیث خوانند و اگر یکی از آن هفتم دیگر برج باشد آن را  
 مقابله خوانند و مقابله نیزین را استقبال خوانند و اگر یکی  
 از آن دو برج دوم دیگر برج باشد یا ششم یا هشتم  
 یا یازدهم دیگر برج باشد میان این دو کوکب  
 پنج لطنه نباشد و از آنجا روشن شود که هر کوکبی را  
 دو تلسیس و دو تریس و دو تلیث از هر جانب  
 و یک مقابله و یک تقارن پیش نبود و جمله هشت نظر بود  
 یا این بیات و راس و ذنب را با کوکب الا مقارن  
 نباشد و آن را مجاسده گویند و زهره و عطارد را  
 یا اقاب الا احراق نباشد و ایشان را با یکدیگر الا مقارن  
 و تلسیس نبود جهت آنکه این دو کوکب از اقاب بسیار  
 دور نشوند مانند دیگر کوکب چه زهره پیش از چهل و

مفرد



هفت درجه و عطارد پیش از نیت و هفت درجه از اقاب  
 دور نشود و زهره و جانب و چون کوکب متوجه باشد  
 یکی از این لطنه ها گویند متصل است و چون اتصال  
 تمام شود و بگذرد گویند منصرف است و نظر نای  
 کوکب ششگانه خرمه را حاشیه تقویم بنویسند از جانب

دست راست برابر هر روزی یا هر کسی که آن نظر  
 در وقت افشاد آنرا الصلوات کلی خوانند و نام  
 ماههای هر چهار تاریخ و روزهاست که در آن تاریخ  
 مشهور بود و تحویل ستارگان از برجی برجی و حجت  
 و عکس و استقامت و اوج و حنیض و احتراق و شرف  
 و هبوط هم در اینجا نویسد اما شاطرن آن دو کوبه بود  
 یکی آنکه میان دو کوبه باشد که هر دو در دو موضع باشند  
 که آن دو موضع بحسب طول اقیاب در آن دو موضع  
 ساعات روز متساوی باشند و آن دو موضع بود  
 از دو جانب سر سرطان و سر جدی که بعد هر روز  
 از نقطه سر سرطان و از نقطه سر جدی متساوی  
 باشد مثلاً یکی در مبتدئ درجه ثور و دیگری در درجه  
 اند باشد چه بعد یکی از سر سرطان یک برج و

درجه بود و از سر جدی چهار برج و مبتدئ درجه بود  
 این را شاطرنانی یومی خوانند و دوم آنکه میان  
 دو کوبه باشد که هر دو در دو موضع باشند  
 که طالع متساوی باشند و آن دو موضع بود از دو  
 جانب سر حمل و سر میزان که بعد هر دو از نقطه ای  
 سر حمل و سر میزان متساوی باشد مثلاً یکی در مبتدئ  
 درجه حمل بود و یکی در درجه حوت چه بعد ایشان  
 از نقطه سر حمل مبتدئ درجه باشد و از نقطه سر میزان پنج  
 برج و در درجه باشد شاطرن مطالع خوانند و شاطرن  
 هم با الصلوات کلی نویسد و باشد که کوبی متصل شود  
 بکوبی بر سیل نظر و شاطرن و پیش از تمام آن اتصال  
 آن نظر و شاطرن باطل شود بسبب رجوع و بسبب  
 استقامت کوبی که آن اتصال با او بود و با عسرت

سیراوان اتصال شود و آن باطل باشد از اشکات  
خواستند و بایزین اشکات نفیست چنانچه در این  
دو دایره مشاهده میکرد و والله اعلم



و علامت های نظریه و آنچه تعلق بدان دارد باینگونه  
نویسند مقارنه و متن آن نه تفسیر است ترشح  
تثلیث است مقابله است استقبال اجتماع  
ع احتراق ق مجابده تحویل میل ستار  
لیس اشکات است یوم فصل سهیم  
در مزارجات تسم و دیگر احوال او بر صفحه در حیت

در هفتای اول ایام اسبوع دوم ایام ماه عربی  
در دو جدول باز آمد میان ما بر قسم اعداد محل  
ماهر المعین کنذ یعنی برجی که قسم بوقت نصف  
النهار در آن برج بود و در جدول دیگر بنهند  
و در هیچ لوی آن و در جدول چهارم ساعات  
انتقال از برجی برجی و نشان روز اگر انتقال  
بروز بود و نشان شب اگر انتقال در آن شب بود  
که بعد از آن روز بود بنهند پس شش جدول  
متاوی بنهند جهت نظریه کو کبب ششگانه باقی  
اول قباب و بعد از آن کو کبب بیچگانه برت  
افلاک و بازاری هر روزی باید هر شتی که بعد از  
وی بود اگر قسم را بگوئی از این کو کبب ششگانه  
نظری بود در جدول آن کو کبب قسم آن نظریه

آن ساعت که نظر در آن ساعت بود نشان رویش  
نبینند و آنچه بازمی روزی بود که در وی یادش  
که بعد از وی بود هیچ نظر نفیذی نباشد و این  
التصالات را نمازجات سمر خوانند و اجتماع و  
استقبال که در هر ماه اقد بر صفحه دست راست  
از جانب راست بالای التصالات کلی در جدول  
باریک سهبت در روز یا شب تعیین کنند و ساعت  
و دقائق را که از آن روز یا از آن شب گذشته باشد  
و بزج طالع و بزج عاشق و درجات و دقائق هر یک  
نبینند و طالع آن بود که در آن وقت در شرق  
طلوع کند و عاشق آن بود که در آن وقت میان  
مشرق و مغرب آن آسمان بود و خبر اجتماع  
نبینند و آن موضعی بود از فلک که اقباب

۱۹

و ماه را در وی ممتار نه شده باشد و خبر استقبال هم  
نبینند و آن بر روز موضع اقباب بود و شب موضع  
ماه در وقت آنکه مقابل کند با اقباب و حالات  
مترجم نبینند بعضی در جدول جداگانه تعبیر از  
نمازجات نبینند بر صفحه دست چپ و بعضی قاضیان  
خالی از جدول نمازجات نبینند بلونی دیگر و  
حالات مجابسه ماه بود بار اس و یاد نب  
که در کدام روز یا شب چند ساعت و رسیدن  
ماه بدرجه شرف و درجه همبوط خود و به اول درجه همبوط  
اقباب یعنی بطرفیه محرقه و تعبیر از این شرف  
و همبوط کو اکبر را بیان کنیم و حال طرفه محرقه را  
بگوئیم و بعضی رسیدن ماه بحدت الشعاع هم ناپند  
و آن وقتی بود که بعد از اقباب پیش از اجتماع

بدو آرد در جداید و مجاسیده ماه با کبیر پاورند و چنین گویند  
 که کید کو کبی خس است که تیرا و معکوس است و در وی  
 بصد و چهل و چپ رسال تمام کند و برجی بدو آرد سال  
 قطع کند و چنین گویند بر فلک پذیرانیت  
 و جدول شمر و علامات حالات قراین است  
 و بعضی اختیارات چنین است که در این جدول نوشته

تا معلوم گردد انشاء الله تعالی

طریق	الأخبار	طریق
۱	دندانها و عروقها و فکها و بناها	۱
۲	هیچ کار در انبساط الاساخن منقول و مکره هلاک زمین	۲
۳	عطله و خرابی بناها و خوردن در حین پخت ناخنها	۳
۴	بنا و مسکن و غیره و زنجیر و سب و عطر و زراعت و قوت و سمن	۴
۵	عطله و قضا و سمن و عطر و تحریف و عطر و سمن	۵
۶	عطله و خرد و کهن و اخفای استیام	۶
۷	فصل و سستی و اطهار عداوت	۷
۸	خلوص و زینت و ختام و شمارت	۸

**فصل در جدول**  
 در منازل شمر و آن بیست و هشت  
 است و هر منزل بصورتیکه تحیل کرده اند این است

در جدول

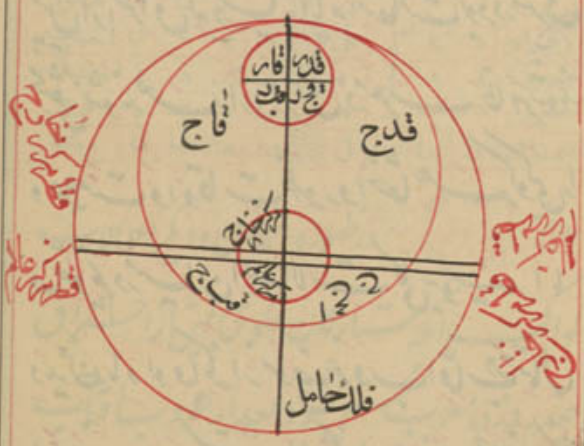
که در جدول نموده شد و از جمله یازده منزل بخش است  
 و قمر هر روز در منزلی و گاه باشد که زیاده از یک روز  
 در یک منزل بماند و گاه باشد که یک روز زیاده از یک

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲

منزل برود و موضع ماه در هر منزل که باشد بوقت نیم روز  
 نام آن منزل در جدول جداگانه بنهند با رای آن روز  
 و بعضی وقت انتقال ماه را از منزلی به منزلی دیگر در جدول  
 دیگر بنهند و چون فلک آرد برج و منزل  
 بیت و هشت حصه هر برجی در منزل و ثمنی میشود



جهت همراه نوشته باشند و باشد که احوال میر کو اکبر در  
 جد و لهای هفتگانه تقدیمهای ایشان در آن دوازده وقت  
 که گفتیم هم رتسم بیان کنند مثلا چون سیر لیس بود یعنی  
 سیر او از سیر و عطش زیاد بود این رتسم بنویسد بد و چون  
 بطی سیر بود یعنی سیر او از سیر و عطش کمتر بود این رتسم بنویسد  
**مقش** و چون سیر او معتدل سیر و عطش بود این رتسم بنویسد  
**سط** و مقیم را مقیم و مستقیم را مستقیم و راجع را راجع و



کوکب را چپا رنطاق بود در فلک اوج و چهار  
 رنطاق در فلک تدویر بود و باشند که این رتسم بنویسد  
 و نشانههای رنطاق اوجی را چنین بنویسد اول **فاج** و دوم  
**فجاج** و سیم **فجج** و چهارم **فدج** و طای  
 تدویر را چنین رنطاق اول **فاد** و دوم **فب** و سیم  
**فج** و چهارم **فدر** و اقباب رنطاقها می شود  
 بود چنانچه در این صورت نوشته شد **فصل نهم**  
 در باقی آنچه در تقویم آورند در اوراق دوازده گانه برابر روز  
 بنویسند در باب اختیارات که آن روز چه کار نشاید  
 و از چه کار آزار باید کرد و ما بعد از این باجمال بیان کنیم  
 و پیش از اوراق ماهها طالع سال او صورت آن پیاو  
 و صورت طالع وقت تحویل و درجات خانههای  
 دوازده گانه از رتسم بنویسند و مواضع کوکب در اس

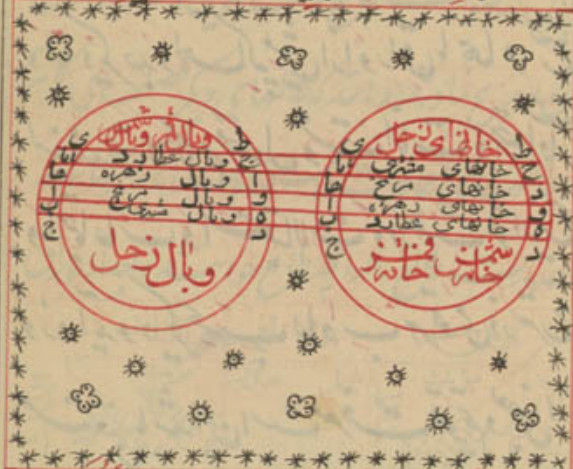


و ذنب در وقت تحویل آفتاب ثبت کند و مواضع سهام  
 بنویسد و سهام و دلائل چیزهای مخصوص بود که از مواضع کواکب  
 و خانه‌ها گیرند و از همه قوی تر سهم العادة و سهم العینب بود  
 پیش از صورت طالع وقت تحویل و مواضع استخراج  
 آن از زینح پیاورند و باشد که طالعهای دیگر فصلهای رکنه  
 و طالعهای اجتماعات و استقبالات را هم صورتها بنهند  
 و صورت طالع را از آنچه طالع خوانند و بعد از اوراق

	الثانی عشر	الطالع	الثانی
الثانی عشر	مؤنث زینح مایل الی الی مایل الی الی	ناظر مذکر	الثانی عشر مؤنث زینح مایل الی الی مایل الی الی
الطالع	مؤنث و نند ربع مؤنث سال ربع مؤنث سال	و نند ربع مذکر طالع	الطالع مؤنث
الثانی عشر	مؤنث و نند مایل الی الی مایل الی الی	مؤنث و نند مایل الی الی مایل الی الی	الثانی عشر مؤنث زینح مایل الی الی مایل الی الی
	الثانی	الطالع	الثانی

ما هم خوف و کوف را که در آن سال  
 اتفاق افتد پیاورند و تعیین اوقات و احوال  
 و مقادیر و کیفیات آن مکنند و طالعهای هر یک  
 هم ثبت کنند و صورت را آنچه بدین نوع است  
 و اما دیگر حد و لحد که پیش از اوراق ما هم وضع  
 کنند حبه احکام فضول و تنانات و حرقات  
 و اجتماعات و استقبالات و از جهت تواریخ  
 دزد آید و دیگر بحسب عادی هر قومی از شرح  
 مستغنی باشد این است معرفت تقویم و بعضی از  
 آنچه محتاج باشد بان بسپیل انحصار پیاوریم  
**فصل هفتم** در خانه و وبال تماکانی  
 و دلو خانه‌های زحل باشند و قوس و حوت  
 خانه‌های مشتری و حمل و عقرب خانه‌های مریخ

و ثور و میزان خانهای هفتده و جوزا و سنبله  
 خانهای عطارد و سرطان خانه ماه و اسد خانه  
 اقرباب و مقتابل خانه هر کوی و بال او بود پس جد  
 و دلو و بال خانهای نیرین و علی هذا الکتاب مثلا



خانهای نیرین و بال نخل بود و خانهای مشتری  
 و بال عطارد و خانهای عطارد و بال مشتری  
 و خانهای مریخ و بال هفتده و خانهای زهره  
 و بال مریخ و راس و دنباله خانه بود و بال

الع لم عند اللطالی و میات خانهای کواکب  
 سبعة سیاره بر این نوع بود که در این دایره ممشل  
**فصل هجده** در شرف و مبوط ستارگان  
 شرف اقرباب بنورده درجه از برج حمل است  
 شرف ماه سیم درجه از برج ثور شرف زحل بیست  
 و یک درجه از برج میزان شرف مشتری پانزده  
 درجه از برج سرطان شرف مریخ بیست و هشت  
 درجه از برج جدی شرف هفتده بیست و هفت  
 درجه حوت شرف عطارد بی پانزده درجه سنبله  
 شرف راس بی نیم درجه جوزا شرف دنباله سیم  
 درجه قوس و برج شرف همه باشد مگر آنکه در آن  
 درجه قومی تر باشد و کواکب تارومی بدرجه شرف  
 دارند قوت شرف روی در تریا باشد چون

از ان درجه بگذرند زوی در نقصان بیند و هبوط  
 گوکب مقابل شرف او بود همان درجه و حال  
 هبوط همچون حال شرف باشد و گفته اند که طریقه  
 محترقه میان هبوط ماه باشد و هبوط آفتاب  
 یعنی از اول درجه نوزدهم میزان تا اول درجه  
 چهارم عقرب و جدول اشرف و هبوط  
 سبعه و عقدین اینست

ک	ن	س	م	ز	ح	ع	ق	ر	ز	ن
ک	ن	س	م	ز	ح	ع	ق	ر	ز	ن
ک	ن	س	م	ز	ح	ع	ق	ر	ز	ن

ک	ن	س	م	ز	ح	ع	ق	ر	ز	ن
ک	ن	س	م	ز	ح	ع	ق	ر	ز	ن
ک	ن	س	م	ز	ح	ع	ق	ر	ز	ن

**مصلی نوبت** در مثلثات و ارباب آن  
 حل و است و قوس مثلثه استی اند و ارباب این

مثلثه بروز آفتاب و مشتری و خل اند و شب  
 مشتری را بر آفتاب مستدم دارند ثور و سنبله و بی  
 مثلثه خاکی اند و ارباب این مثلثه بر وره  
 و قمر و مریخ باشد و شب قمر را بر زهره مقدم اند  
 جوزا و میزان و دو مثلثه با دمی اند و ارباب  
 این مثلثه بروز حسل و عطارد و مشتری اند و شب  
 عطارد را بر جل مقدم دارند سرطان و عقرب و حوت  
 مثلثه ابی اند و ارباب این مثلثه بر وره و مریخ و قمر  
 و شب مریخ را بر زهره مقدم دارند ارباب این مثلثات این

<b>جدول ارباب</b>					<b>جدول ارباب</b>					
<b>مثلثات شب</b>					<b>مثلثات روز</b>					
ک	ن	س	م	ز	ح	ع	ق	ر	ز	ن
ک	ن	س	م	ز	ح	ع	ق	ر	ز	ن
ک	ن	س	م	ز	ح	ع	ق	ر	ز	ن

**فصل نهم** در حدود کواکب و اربابان هر یکی  
 از کواکب میخیزد و در هر برجی حدی بود و آن چند وجه  
 معین باشد از آن برج و در حد و خلاف کرده اند  
 مشهور حدود مصریان است و آن بدین تفصیل است

کواکب	کواکب	کواکب	کواکب	کواکب	کواکب	کواکب	کواکب	کواکب	کواکب
کواکب	کواکب	کواکب	کواکب	کواکب	کواکب	کواکب	کواکب	کواکب	کواکب
کواکب	کواکب	کواکب	کواکب	کواکب	کواکب	کواکب	کواکب	کواکب	کواکب
کواکب	کواکب	کواکب	کواکب	کواکب	کواکب	کواکب	کواکب	کواکب	کواکب
کواکب	کواکب	کواکب	کواکب	کواکب	کواکب	کواکب	کواکب	کواکب	کواکب
کواکب	کواکب	کواکب	کواکب	کواکب	کواکب	کواکب	کواکب	کواکب	کواکب
کواکب	کواکب	کواکب	کواکب	کواکب	کواکب	کواکب	کواکب	کواکب	کواکب
کواکب	کواکب	کواکب	کواکب	کواکب	کواکب	کواکب	کواکب	کواکب	کواکب

و آنچه در اینجا در هر کواکب نوشته شده حدود  
 کواکب است و آنچه در تحت نوشته شده اسم کواکب  
 و چون کواکب در حدود بود دو قوه دارد و بندهب  
 دیگر قوه اعظم خداوند **فصل دهم** در کواکب

در وجه و دیگر خطهای کواکب اما وجه آن است  
 که هر برجی را بینه ملت کش کرده اند و اینست از اجل  
 کرده اند ملت اول او را برج که صاحب حل است  
 داده اند و ملت دوم را کواکب که فلک او شنب فلک  
 برج است شمس بود داده اند و ملت سیم او را کواکب که  
 شنب او بود یعنی هر سه داده اند و ملت دوم او را  
 کواکب که فلک او زیر فلک زهره است یعنی عطارد  
 داده اند و ملت دوم او را کواکب که فلک او زیر فلک  
 عطارد است یعنی شمس داده اند و ملت سیم او را  
 چون فلکی دیگر زیر فلک شمس بود دور از مرکز که در جل  
 داده اند که فلک او بالای همه فلکها بود و بعد از آن  
 بیشتری و بعد از او برج و برای این قیاس تا ملت آخر  
 حوت که نوبت برج است و برج را دو درجه

در پہلوی هسم اقد که یو صبه ثلث است رحوت و یک  
 و صبه ثلث اول محل و وجه را صورت نیز گویند  
 و باشد که بروج را هسم تلیثا قیمت کنند و ثلث  
 اول هر برجی بصاحب آن برج دهند و ثلث  
 دوم بصاحب آن برج دهند که از هسمان مثلثه  
 بعد از آن بود و ثلث است صاحب برج را که باقی بود  
 از هسمان مثلثه دهند مثلث اول اصل میرخ  
 که صاحب برج است و ثلث دوم شمس که صاحب  
 است و ثلث میم شتری که صاحب قوس  
 و همچنین در دیگر جهات و این قسمت را در چنان حوا  
 و جدول این است و اعلم عند الله العالم

جدول وجوه در چنان و ارباب ایشان

برج	ارباب صجوه	ارباب	در چنان
مکر	عکس و نوزاد	نوزاد	عکس و نوزاد
نور	عکس و نوزاد	نوزاد	عکس و نوزاد
جوز	عکس و نوزاد	نوزاد	عکس و نوزاد
سدرطان	عکس و نوزاد	نوزاد	عکس و نوزاد
اسرار	عکس و نوزاد	نوزاد	عکس و نوزاد
سینا	عکس و نوزاد	نوزاد	عکس و نوزاد
میزان	عکس و نوزاد	نوزاد	عکس و نوزاد
عقرب	عکس و نوزاد	نوزاد	عکس و نوزاد
قوس	عکس و نوزاد	نوزاد	عکس و نوزاد
جد	عکس و نوزاد	نوزاد	عکس و نوزاد
دلو	عکس و نوزاد	نوزاد	عکس و نوزاد
حوت	عکس و نوزاد	نوزاد	عکس و نوزاد





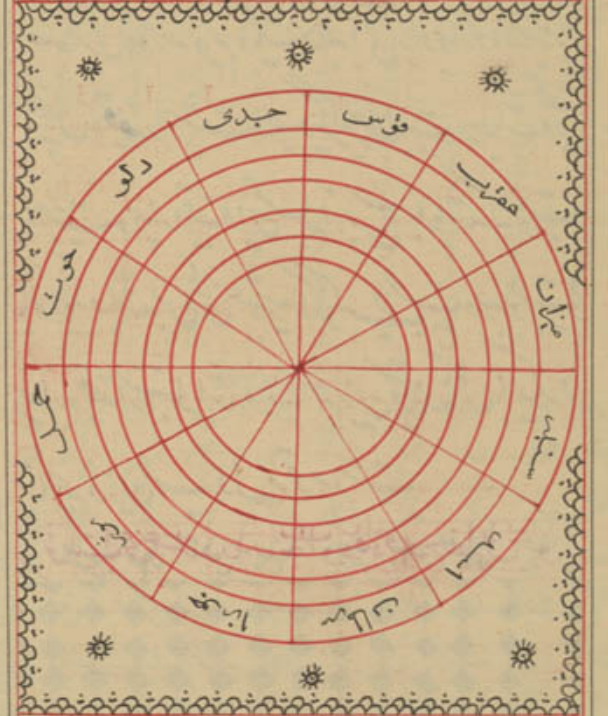
صباح رجبی که بعد از او بود و هم چنین تا تمام را  
 صاحب بروج دوازده گانه دهند و این قسمت را  
 اثنی عشریه خوانند و همچون گوئی باید

ن	و	ه	د	ج	ب	ا	صفت
ک	ک	ک	ر	س	ح	د	د
ن	م	ک	ح	ن	ل	ر	د
ن	ک	م	ل	ک	ر	ح	ن
خ	ک	ن	و	م	ب	ح	ل
ی	ل	ر	د	ه	س	ح	ع
س	ح	ی	ل	و	د	ه	ا
ه	س	ح	ی	ل	ر	د	ب
د	ه	س	ح	ی	ل	ر	ج
ح	ی	ل	ر	د	ه	س	د
ه	س	ح	ی	ل	ر	د	ه
س	ح	ی	ل	ر	د	ه	ر
ی	ل	ر	د	ه	س	ح	ن
ل	ر	د	ه	س	ح	ی	ح
د	ه	س	ح	ی	ل	ر	ط
ر	د	ه	س	ح	ی	ل	ی
ل	ر	د	ه	س	ح	ی	ب

دیگر در رجبی بود و چند درجه و دقیقه از آن برج  
 قطع کرده باشد دو درجه و نیم از آن سه ممتد را که قطع  
 کرده است حصه همان برج بود و دو درجه و نیم حصه

که بعد از او

که بعد از او بود تا آنجا که کمتر از خسته رجبی بماند از آن قدر  
 هر درجه را دو دوازده درجه و هر پنج دقیقه را یک درجه



و هر دقیقه را دو دوازده دقیقه بدینند از هر چه که  
 نوبت بدو رسیده باشد آنجا که برسد موضع اثنی عشریه  
 آن کوکب یا آن دلیل باشد مثلاً گوئی در میازده





**فصل سبب قمر** در اوج حنیض تمارکان  
 او حبابی اقیاب و پنج ستاره مخیره در سر  
 هزار سال از برجی برجی شوند و بهر شش سال  
 شمشی کیدرجه قطع کنند و حنیضهای ایشان تعادل  
 او حجاب بود الا عطا زد که اورا دو حنیض بود بر توش  
 اوج و اوج تمارکان در این تاریخ که شد  
 پنجاه و هشت است از تاریخ زید حبیومی بدین  
 نحو است **اوج زحل** در دهم درجه قوس است  
 و **اوج مشتری** در آخر درجه سنبله و **اوج مریخ** در هفتم  
 درجه اسد و **اوج شمس** در بیت و هشتم درجه جوزا  
 و **اوج زهره** در هجدهم درجه جوزا و **اوج عطارد**  
 در اول درجه عقرب و حنیضها از انجا معلوم شود  
 و این او حجاب بحسب زین شاهیت و در دیگر زجها

مختلف باشد اما متز اوج در وقت اجتماع و اقیاب  
 بود و حنیض در وقت دو تریح اقیاب بود از این  
 جدول اوج و حنیض کوکب معلوم می شود

قوس	عقرب	دفعه	سنبله	مغز	سنبله	دفعه	مغز
حجاب	عقرب	جوزا	اسد	جوزا	اسد	جوزا	عقرب
حجاب	عقرب	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	حجاب
حجاب	عقرب	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	حجاب
حجاب	عقرب	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	حجاب
حجاب	عقرب	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	حجاب

**فصل سبب سیم** در احوال بروج دوزخ  
 کانه حمل و ثور و جوزا بر حبابی بهاریند یعنی چون  
 اقیاب در این بر حجاب بود بهار باشد و سرطان  
 و اسد و سنبله بر حبابی تابستان اند و عقرب و قوس  
 بر حبابی خریفه و جدی و دلو و حوت بر حبابی







باشد و آن را وسط السماء خوانند و خانه مادران است  
 و خانه **یازدهم** خانه امید و سعادت و دوستان  
 و یاران بود و خانه **دوازدهم** خانه دشمنان  
 و بدبختی و چهار پایان بزرگ و نیدورند ان بود  
 و **مبدأ** هر خانه درجه و دقیقه باشد از بروج  
 اموضع را مرکز خانه خوانند و حد هر خانه از پنج درجه  
 پیش از آن موضع باشد تا پنج درجه پیش از موضع خانه  
 که بعد از او بود و از این خانه تا خانه طالع و **دوم** و **چهارم**  
**و هفتم** او تا دهند و **یازدهم** و **پنجم** و **دوم** و **هفتم**  
 مایل الاوتادند و **نهم** و **سیم** و **ششم** و **دوازدهم** مایل الاوتادند  
**و دوم** و **ششم** و **ششم** و **دوازدهم** ساقط از طالعند  
 و از همه تا حفا قومی تر طالع و عاشر بود پس **هفتم**  
 پس **چهارم** پس **یازدهم** پس **پنجم** پس **نهم** پس **سیم**

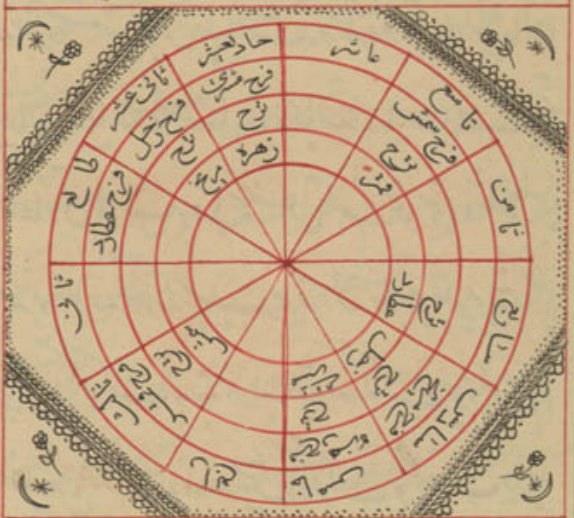
**پن** **دوم** پس **هشتم** و **صغیف** ترین همه **دوازدهم**  
**و ششم** است که هم زایلیند و هم ساقط و این دوازده خانه  
 چهار ربع باشد یکی از عاشر تا طالع و این ربع مذکر بود  
 و آن دیگر از طالع تا ربع و این ربع مؤنث و این  
 دور ربع صاعد بودند و مقابل ربع مذکر مذکر بود  
 و مقابل ربع مؤنث مؤنث بود و مقابل صاعد مخد  
 و از خانه های طالع و هر چه نام او طاق بود مثل **سیم**  
**و پنجم** و **هفتم** و **نهم** و **یازدهم** مذکر بود و آنچه نام او  
 جهت بود مؤنث مثل **دوم** و **چهارم** و **ششم** و **هفتم**  
**و دوازدهم** چنانچه در جدول مَطور است  
 اعلم عند الله

ملکوت	اموال	نیکو بینی	ظهور	احوال	ارباع
مركز طلوع	و شد	مذکر	ساقط	<b>موت</b>	<b>موت</b>
مركز ثانی	ساقط	مؤنث	ناظر	<b>موت</b>	<b>موت</b>
مركز ثالث	زایل شد	مذکر	ناظر	<b>موت</b>	<b>موت</b>
مركز رابع	و شد	مؤنث	ناظر	<b>موت</b>	<b>موت</b>
مركز خامس	ساقط	مذکر	ساقط	<b>موت</b>	<b>موت</b>
مركز ششم	زایل شد	مؤنث	ناظر	<b>موت</b>	<b>موت</b>
مركز سابع	و شد	مذکر	ساقط	<b>موت</b>	<b>موت</b>
مركز ثامن	ساقط	مؤنث	ناظر	<b>موت</b>	<b>موت</b>
مركز نهم	زایل شد	مذکر	ناظر	<b>موت</b>	<b>موت</b>
مركز دهم	و شد	مؤنث	ناظر	<b>موت</b>	<b>موت</b>
مركز یازدهم	ساقط	مذکر	ساقط	<b>موت</b>	<b>موت</b>
مركز بیستم	زایل شد	مؤنث	مؤنث	<b>موت</b>	<b>موت</b>

**فصل بیست و ششم در شرح و ترح کواکب و آنچه**

بدان ماند شرح زحل در دو ازم طالع بود و شرح  
 مشتری در دو ازم بود و شرح مریخ در ششم بود و شرح  
 شمس در ششم و شرح هسره در پنجم بود و شرح عطارد  
 در طالع بود و شرح قمر در ششم بود و مقابل شرح بود

و آفت نیز خوانند و بودن کواکب بنابر اربعه و فوق  
 الارض و ریش تحت الارض و کواکب لیلی را بر عکس  
 خوانند و همچنین بودن کواکب مذکور در ربع مذکور خوانند



مذکور و کواکب مؤنث در ربع مؤنث و خانه مؤنث  
 قوتی دیگر باشد شبیه لقیح و خیر و هیبت دایره  
 افراخ و اتره کواکب سبعة بین کونته است **فصل بیست و هفتم**  
 در حال نظرهای کواکب تلتیث و تسیس نظر دوستی

تثلیث تمام دوستی و نسبتی نیم دوستی متقابل و تریح دشمنی اند  
 متقابل تمام دشمنی و تریح نیم دشمنی و نظر دوستی بسود  
 سعد نیک باشد و طش و دشمنی با ایشان بد نباشد  
 و نظر دشمنی نجس بد باشد و نظر دوستی با ایشان  
 چنان بد نباشد و مفتار نه و مجاسده با سود تمام  
 سعادت بی باشد و با نجس تمام تر نجوستی و شاطرنجایی  
 نظر بود و حد نظر را حیرم خوانند و حیرم علویین نه درجه  
 پیش از کوب بود و نه درجه بعد از کوب بود و حیرم  
 نفلیین **هفت** درجه پیش از کوب و **هفت** درجه  
 بعد از کوب بود و حیرم مریخ **هشت** درجه پیش  
 و **هشت** درجه بعد و حیرم آفتاب در هر دو جانب  
 با نرزه درجه و حیرم قمر در هر دو جانب **دوازده**  
 درجه و حیرم راس و ذنب همچون حیرم و کوبی

که کوبی ناظر خواهد شد چون حیرم رسد متصل شود  
 و اتصال تمام آنکه بود که میان ایشان کمتر از حیرم  
 بر دو کوب بود و کمتر از نیم حیرم آن کوب بود آن  
 دو که نظر خواهد شد کرد که حیرم او کمتر باشد اتصال  
 بغایت رسیده باشد و چون از طش بگذرد و صرف  
 شوند و در جانب اضراف چون در حالت  
 اتصال باشد و تریح چون سیرجی انتقال کند که  
 کوبی ناظر خواهد شد و اما سجد اتصال رسیده باشد  
 کوبی بغایت اتصال است و اگر منصرف شده  
 باشد و دیگر کوب را نخواهد دید کوبی  
 خالی سیر است و اگر در سیرجی هیچ کوب  
 از کوب سیشش کانه ناظر باشد اصل کوبی  
 وحشی سیر است و جدول اجرام این است







بریدن کاریز و جو بهار و از برج **مقلب** سواری  
 و گوی زدن را و از برج **ثابت** بنامی سحر با و حصا  
 را و اگر نظر بود **ببرج** بجز دوستی از برج **مقلب** سواری  
 و گوی زدن را و از **برج ثابت** تعبیرت شکر بار او  
**بروج دو جبین** اصلاح سلاح و ترتیب آلات  
 حرب را و اگر ناظر **بمیش** بود از **برج مقلب** بجز  
 دوستی سفر او و دخول نزد پادشاه و از **برج ثابت**  
 دخول بلد و ابتداء اعمال و اشغال سلطانی و نیز  
 علمای را و از **برج دو جبین** دیگر کارهای بزرگ  
 و از **برج آتشی** ساختن پیرایه و گذشتن روزیم و اگر  
 ناظر عداوت بود در او چیزی نبود الا اجتماع **نظر سغود**  
 رازها و کارهای پنهانی شاید کشتن و گردن و پوشیده  
 کردن کارها را سزود و استقبال بر ضدان باشد و اگر

ناظر **عبط** زد بود و عطار **د مسعود** باشد **تعلیم و کتابت**  
 و محبت و مجادله را شاید و اگر **عطر** زد **مخمس** بود  
 در وسای خیری نباشد خاصه که نظر عداوت بود  
 و بر جمله **القنالات** **ممر** روحی پندیده بهر **کوکب**  
 کاری را شاید که منوب بود بدان **کوکب** و **ممر** است  
 و کید و بیان دشمنی و دشمنی الیه و طریقه محترقه و عالی السیاق  
 که از سخن **مصرف** بود هیچ کار را شاید این است  
 اختیارات تقدویم که بدان احتیاج می افتد  
 در این جدول **ثبت** ورقه نوشته شد که هنگام  
 احتیاج معلوم گردد



# جدال الاختیارات فی اصلاح الالقاء

الاقطار	اللقائن	التلین	الذبیح	التلین	المقالبه
بن خلد	بن کلب	بن کلب	بن کلب	بن کلب	بن کلب
بن کلب	بن کلب	بن کلب	بن کلب	بن کلب	بن کلب
بن کلب	بن کلب	بن کلب	بن کلب	بن کلب	بن کلب
بن کلب	بن کلب	بن کلب	بن کلب	بن کلب	بن کلب
بن کلب	بن کلب	بن کلب	بن کلب	بن کلب	بن کلب
بن کلب	بن کلب	بن کلب	بن کلب	بن کلب	بن کلب
بن کلب	بن کلب	بن کلب	بن کلب	بن کلب	بن کلب
بن کلب	بن کلب	بن کلب	بن کلب	بن کلب	بن کلب
بن کلب	بن کلب	بن کلب	بن کلب	بن کلب	بن کلب

# فصل سی ام در معنی اصول بدن ارجح

در اختیارات جزوی صلاح حال مستد صاحب  
 مواضع او و کوی که کاری ابتدا خواهد کرد  
 منوب با بود و طالع وقت و صیاب و خانه که آن  
 کار بدان منوب بود و صیاب او در اختیارات  
 کارها باید نگاه داشت و صلاح خانها آن باشد  
 که از محوش خالی باشند و سود بان ناظر باشند  
 و صلاح حال گوالب آن بود که ایشان را قوتی  
 زالی بود و آن چنان بود که در خانه یا شرف  
 یا مثلثه یا خدیا وجه خود باشند یا در آن ربع  
 که روی باوج دارند یا شمالی صاعد باشند یا که  
 مستقیم السیر باشند و زاید در سیر و یا قوتی عرضی باشد

و آنچه آن بود که در شرح یاد و خیر یاد او تا دیا مایل الود  
 یا ناطق بطالع یا در ربع و خانه موافق طبع باشد  
 و مایع شود باشد و آنچه آن بود که ممانع بعود باشد  
 بنظر یا شاطن و فساد حال ضد این معنی بود مانند  
 وبال و هبوط و هضم و رجوع و اتراق و بودن در  
 برج و خانه های زاید و ساکن و ممانع است  
 و امثال آن و سعود قوی و دوزخیر پندارند  
 و صغیف از خیر کاهند و محس قوی از شر باشد  
 باز آیتد و صغیف در شرف پندارند و باید کارهای  
 مغلوب را بروج مغلوب و ثابت را بروج مثبت  
 و دوزخیدین را بروج دوزخیدین باید اختیار کنند  
 و اتصال قوت بگویند که صاحب آن کار بود شلا  
 نوبریدن و پوشیدن را قوت در برج غیر ثابت است

مذکور

که گویند زینت است و صفر ابرج غیر ثابت خالی  
 اگر در خشکی بود یا آبی اگر در سفر دریا بود متصل بعدی  
 و منصرف از بعدی و هم که خانه سفر است و هم  
 که خانه مقصد است و مقرر هر دو مسعود و تعلیم را در  
 که بصورت مردم است و آن بر حسب ای هوایی  
 بود جوزا و سنبله و بنیه اول از قوس متمیز بطل است  
 یا تیزان محسود کبابه رفتن را قوت در خانه میرخ  
 و مشتری بود و مقصد از برج آتش یا هوایی  
 سیک حال و در مقصد بردست و مکتب باید که قمر  
 در جوزا نبود و بنا بر این دان را باید که صاع بود  
 و مثالی در برج ثابت یا دوزخیدین و رسل در  
 چهارم نیک است حال عالم و سلطان باید  
 که در تصرف یاد خانه آفتاب ناظر بدو می بود



و تجارت را در برجی منقلب معود مشتری عطار  
 پنج و شش را در برجی منقلب انادریع متصرف از  
 سعد و انادریع مشتری متصل بعد و بر این قیاس  
 اختصار نمودیم زیاده بر این را باید  
 بطولات رجوع نمود

قد تم بعون الله تبارک و تعالی هند الکتاب  
 المتطاب المسمی فی فضل درو ار الایمان قسم در مدرسه  
 فضینه جوار حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها  
 حسب الامر تاد الاساتید و سند الاسانید الفاضل  
 لخریر الدقیق الشیخ حبیب الله زاد الله ایام افاضاته  
 بید اقل الخلیفه محمد رضا ابن میرزا عبد الریسخان نقشبندی  
 فی شهر جماد الاول سنه ۱۳۱۳

و کتابت در این کتاب مشهور است  
پس که در کتاب مشهور است  
مردمان و مشهوری که در این کتاب  
تجدید و نوآوری در این کتاب  
نظرات و دیدگاه

تقدیر و تقدیر و تقدیر و تقدیر  
کتابت در این کتاب مشهور است  
تقدیر و تقدیر و تقدیر و تقدیر  
تقدیر و تقدیر و تقدیر و تقدیر  
تقدیر و تقدیر و تقدیر و تقدیر  
تقدیر و تقدیر و تقدیر و تقدیر  
تقدیر و تقدیر و تقدیر و تقدیر  
تقدیر و تقدیر و تقدیر و تقدیر





2107